

مجید قیصری در گفت و گو با «ایران»:

نویسندگان جنگ با اما و اگرهای بیشتری مواجه‌اند

■ از آغاز نویسندگی‌تان سال‌ها می‌گذرد، چطور شد از میان موضوعات مختلف جنگ را انتخاب کردید و قدم در راهی گذاشتید که ابتدای راه بود؟

این من نبودم که ادبیات جنگ را انتخاب کردم، جنگ خودش به سراغم آمد که البته تا حد زیادی هم به اطلاعات و تجربیاتم برمی‌گردد، خاطرات دوران نوجوانی و جوانی‌ام از سال‌های جنگ، خواه‌ناخواه سبب شده هر چه زمان پیش می‌رود بیشتر به عقب بازگردم و دست به مرور ماجراها و اتفاقات آن سال‌ها بزنم. جنگ چیزی شبیه به یک معدن است، هر چقدر بیشتر به سراغش می‌روم یافته‌های بیشتری درباره آن کشف می‌کنم و آثارم را بر همان اساس می‌نویسم. دوران خدمت هم‌زمان با جنگ بود، به مناطق مختلفی اعزام شدم و همه اینها سبب شد تجربه‌های مختلفی به دست بیاورم. نوشتن مگر به چیزی غیرازاین نیاز دارد؟ نویسنده برای نوشتن ناچار به کسب تجربه است؛ آن‌چنان‌که بخش عمده‌ای از نوشته‌های هر فردی از تجربه‌های زیستی‌اش حاصل شده است؛ تجربیاتی که گاهی به شکل مستقیم و گاهی هم از طریق مطالعه و کسب اطلاعات بیشتر حاصل می‌شود.

■ در ارتباط با ادبیات جنگ تعریف‌های مختلفی مطرح‌شده، از ادبیات پایداری گرفته تا ادبیات دفاع مقدس و... شما به کدام‌یک معتقد هستید؟

چندان با تقسیم‌بندی‌های مختلفی که برای این بخش از ادبیات قائل هستند موافق نیستم، مگر غیرازاین است که همه اینها جزئی از ادبیات جنگ هستند؟ وقتی می‌گوییم ادبیات پایداری یا دفاع مقدس، آن را محدود کرده‌ایم درصورتی‌که ادبیات جنگ همه اینها را شامل می‌شود. هرچند که شاید بهتر باشد این حوزه را حتی از دیگر بخش‌های ادبیات جدا نکنیم؛ وقتی بحث خلق اثری با مضمون جنگ درمیان است به‌رحال صحبت از ادبیات است که نمی‌شود آن را با چیزی غیر از ادبیات تعریف کرد. از سوی دیگر جنگ که برای نخستین مرتبه در کشور ما رخ نداده! پیش‌ازاین هم مردم دیگر نقاط جهان با جنگ درگیر شده‌اند، مصایب و مشکلات آن را کشیده و از آن رنج برده‌اند. بنابراین چرا اسم آن را عوض کنیم؟ بهتر است با عنوان‌هایی ازاین‌دست داستان‌ها و رمان‌های حوزه جنگ را محدود نکنیم؛ شبیه چیزی که در تمام دنیا شاهد آن هستیم. نکاتی که به آنها اشاره شد فقط خاص آثاری که با محور جنگ نوشته می‌شوند نیست و به‌نوعی می‌توان آنها را به کلیت ادبیات تعمیم داد.

■ شما از معدود نویسندگانی هستید که از همان ابتدا به‌طور تخصصی درباره جنگ، داستان رمان نوشته‌اید؛ در خلال نوشته‌هایتان به‌دنبال انتقال چه مفهومی هستید و این‌که اصلا با چه زاویه دیدی به سراغ این بخش از تاریخ معاصرمان می‌روید؟

الگوی ثابتی ندارد، هر مرتبه با زاویه دید تازه‌ای به سراغ جنگ می‌روم؛ همان‌طور که ابتدا هم اشاره کردم هرزمانی که به سراغ جنگ و اتفاقات مرتبط با آن می‌روم نکته تازه‌ای کشف می‌کنم و از همین رو سعی می‌کنم براساس همان هم به سراغ تألیف مجموعه داستان یا رمانی دیگر بروم. بنابراین این‌طور نیست که بگویم در همه نوشته‌هایم به فلان موضوع یا حادثه، از زاویه دید مشخصی پرداخته‌ام. حتی نمی‌دانم اثر بعدی‌ام را قرار است چطور بنویسم، براساس تحولاتی که رخ می‌دهد تصمیم می‌گیرم و فکری را که در ذهنم نقش می‌بندد از طریق آثارم با مخاطبان به اشتراک می‌گذارم. باین‌حال اگر به‌دنبال موضوع یا مسأله مشخصی در نوشته‌های من هستید شاید بتوان آن را بحث کرامت انسانی دانست که در همه روابط، اعم از فردی و اجتماعی حفظ آن اهمیت بسیاری دارد.

■ از تجربیات و کشفی‌گفتید که به‌واسطه آنها نوشته‌اید و اصلا بنایی شده‌اند که به‌واسطه‌شان به سراغ تألیف آثار تازه هم بروید؛ دراین ۳۰ سالی که از فعالیت حرفه‌ای‌تان در این عرصه می‌گذرد به چه نکاتی درباره جنگ دست یافته‌اید؟

این نکته را درک کرده‌ام که بی‌هیچ اغراقی، ایرانیان ملت بزرگی هستند؛ این تعارف نیست و آن را به گواه تاریخ می‌گویم. بنابراین نه‌تنها من، هر فرد دیگری هم به مطالعه بخش‌های مختلف تاریخ سرزیم‌نمان بپردازد به آن اذعان خواهد کرد. حتی در شاهکارهای ادبیات کلاسیک فارسی نظیر شاهنامه هم آمده، این‌که ما ملت خاصی هستیم و این غلو نیست. همین مسأله هم سبب شده این‌قدر مورد هجمه قرار بگیریم. از سویی آن‌گونه که تا امروز استوار ایستاده‌ایم و تمام ناملایمات‌هایی را که صورت گرفته تحمل کرده‌ایم، بیانگر این است که برخوردار از ویژگی‌هایی متفاوت از دیگران هستیم. مسأله‌ای که منجر به

موجود هم می‌روید؟ تجربیات من از آن سال‌ها هرچقدر هم زیاد باشد حد و اندازه‌ای دارد؛ بویژه که زمان زیادی هم از ورودم به این عرصه می‌گذرد. هستی نگاه کنیم، کشف این‌که انسان ایرانی در بحران‌ها و لحظه‌های مختلف به چه فکر می‌کند، چطور می‌تواند خودش را از این فضاهای مملو از التهاب بیرون بکشد برای جنگ خودمان محدود نمی‌شود و بخش عمده‌ای از آن درباره جنگ‌های خارجی است؛ وقتی مطالعات نویسنده به حوزه خاصی محدود نشود به ایده‌های بیشتری برای نوشتن دست پیدا می‌کند. ما درباره انسان‌ها صحبت می‌کنیم، تجربیات کسی که در جنگ

ادبیات چیست؟ یکی از اهداف مهم آن ایجاد روحیه تساهل و تسامح است. بازگردیم به آن حکایت فیل در تاریکی مولانا. چرا مولانا ماجرای «فیل اندر خانه‌ای تاریک بود» را گفته؟ از‌این‌بابت که خواسته بگوید به دانسته‌های خودم داستان کوتاه و رمان بنویسم. مطالعات من تنها به هشت سال جنگ خودمان محدود نمی‌شود و بخش عمده‌ای از آن درباره جنگ‌های خارجی است؛ وقتی مطالعات نویسنده به حوزه خاصی محدود نشود به ایده‌های بیشتری برای نوشتن دست پیدا می‌کند. ما درباره انسان‌ها صحبت می‌کنیم، تجربیات کسی که در جنگ



افغانستان، جنگ لبنان یا فلان منطقه جهان شرکت کرده با من نوعی که جنگ خودمان را تجربه کرده‌ام تفاوتی دارد؟ او هم پدر و مادر داشته، عاشق بوده و شاید هم فرزندی در انتظارش بوده‌اند. جنگ و مصایب آن تنها خاص ما نیست؛ تنها بحث برخی تفاوت‌ها و از سویی جغرافیاهای مختلف است وگرنه وقوع جنگ، تجربیاتی مشترکی را میان انسان‌ها رقم می‌زند. ترکش یا گلوله‌ای که او خورده فرقی با شرایطی که برای ما رخ‌داده ندارد. ■ وحتی وحشت و هراسی که حاضران در جنگ تجربه می‌کنند!

بله، خداوند مگر چند نسل آفریده؟ خدا در قرآن گفته که من تنها یک نسل آفریدم و از آن نسل‌های دیگر را خلق کردم.

■ برخلاف معدود آثارِ همچون «طریق بسمل شدن» آقای دولت‌آبادی، ما با کمترنوشته‌ای طرف هستیم که از نگاه طرف مقابل‌مان هم به جنگ پرداخته باشد؛ چرا اغلب نگاه‌ها متوجه خط مقدم و برخی زاویه‌های تکراری واحد است؟

آثاری که با زاویه دیدهای تازه نوشته شده باشند هم کم نداریم؛ کتاب «لم‌پزرخ» آقای بایرامی هم از همین جمله است و از زاویه آن‌سوی جنگ به اتفاقات می‌پردازد. من هم در رمان «دیگر اسمت را عوض نکن» کرده‌اند کرده‌ام با نگاه تازه‌ای به سراغ جنگ بروم. این رمان قصه نامه‌نگاری یک افسر عراقی با سربازی ایرانی است؛ بنابراین این‌طور نیست که به آن روی جنگ و از نگاه طرف مقابل درباره‌اش نوشته باشیم. با این‌حال همان‌طور که در ابتدا هم اشاره شد نحوه سیاستگذاری و عملکرد ناشران در این مسأله اثرگذار بوده و هست. ناشران خصوصی که به‌ندرت سراغ موضوعات ازاین‌دست می‌روند تا مبادا گرفتار مشکلات آن نشوند. کار آخر من چرا متوقف شد؟ تنها به این خاطر که تصویری متفاوت ازآنچه عادت کرده‌ایم درباره جنگ بشنویم، ارائه داده است.

■ این برخلاف تصویری است که دیگر نویسندگان و همچنین مخاطبان درباره ادبیات جنگ دارند؛ این‌که در آن خبری از دشواری‌های نویسندگان دیگر حوزه‌ها نیست!

نه‌تنها محدودیت‌های کمتری پیش روی نویسندگان ادبیات جنگ نیست بلکه دشواری‌های تألیف در این حوزه به‌مراتب بیشتر هم هست. ادبیات جنگ انگار برای برخی نوعی خط قرمز شده، نویسنده نمی‌تواند قرائتی متفاوت از چیزی که آنها دیده و شنیده‌اند داشته باشد.

■ و این نشأت گرفته از چیست؟ همان بحث قدیمی عدم تحمل‌پذیری ما ایرانیان در مواجهه‌مان با نگاه‌هایی متفاوت از خودمان؟ قبل از هر نگاهی باید بدانیم معنای و هدف

گفت‌وگوهایی با مجید درباره ادبیات د

برخلاف تدوین نوشتن کار هر کس نیست

◀ مریم شهبازی خبرنگار

نوشتن درباره جنگ و خلق داستان‌هایی پیرامون وقایعی که بر سراسران‌ها آوار می‌شود اتفاق ناهای نیست؛ آنقدر که شاید بتوان قدمتی به اندازه شکل‌گیری خود ادبیات داستانی، آن‌هم به شکل و شمایل تازه‌اش برای آن متصور شد. اما در کشور خودمان تاریخچه نوشتن از جنگ به همان سال‌های ابتدایی وقوع جنگ تحمیلی بازمی‌گردد؛ به آن سال‌هایی که فرهنگ وادب هم به مدد رزمندگان برآمدندا بلکه گامی در راستای تقویت روحیه‌ای بردارند که برای حفظ سرزمین‌مان ضروری بود. باتمام جنگ اما توجه به این بخش از ادبیات پایان نیافت و شاهد استقبال نویسندگان بیشتری بودیم؛ هر چند بخش عمده‌ای از آثاری که خلق شدند اغلب شکل مکتوبی از خاطرات شفاهی سال‌های جنگ به شمار می‌آیند و در دایره خاطره‌نگاری‌ها جای می‌گیرند. فراتر از اما و اگرهایی که متوجه این‌بخش از داستان‌نویسی‌مان است و راهی همچنان طولانی که باید پیموده شود تا شاهد ارتقای هر چه بیشتر آن باشیم، طی چند دهه‌ای که از پایان جنگ واز سویی شکل‌گیری جدی‌تر ادبیات جنگ می‌گذرد شاهد فعالیت‌چهره‌های شاخصی در این عرصه هستیم که از جمله آنها می‌توان به مجید قیصری، نویسنده‌ای اشاره کرد که گفت‌وگوی امروزمان را با او می‌خوانید. قیصری از معدود نویسندگانی است که از همان بدو ورود به دنیای ادبیات به‌طور خاص نوشتن درباره جنگ را انتخاب کرد؛ البته خودش معتقد است این جنگ بوده که او را به این مسیر هدایت کرده؛ در حدود سه دهه‌ای که داستان کوتاه و رمان نوشتن با چنین موضوعی را اساس کار خود قرار داده موفق به کسب جوایز داخلی و خارجی متعددی شده که از جمله آنها می‌توان به کسب عنوان رمان برتر «اورا سبایی روسیه» «برای کتاب سه کاهن، برنده جایزه

که بیشتر از رضا بایرامی جنگ را بشناسد سراغ دارد؟ ■ این نشأت گرفته از همان بحث قدیمی است که سینماگران ما اهل مطالعه نیستند و ادبیات را نمی‌شناسند یا دلیل دیگری برای آن قائل هستند؟

بحث شناختن یا نشناختن نیست؛ بیشتر مسأله نگاه تولیدکنندگان درمیان است. سینماگر می‌گوید من این نگاه را دوست ندارم، تلویزیونی‌ها هم فقط شاخص‌های موردنظر خود را می‌پذیرند. از طرفی ترجیح می‌دهند برای رهییز از دردسرهای احتمالی اصلی فضایی برای این آثار مهیا نکنند. از همین رو معتقدم که ما نویسندگان جنگ، هنوز در جنگ هستیم؛ هنوز باید با موانع پیش روی‌مان بجنگیم آن‌هم در شرایطی که دیگران تصور می‌کنند کار ما خیلی راحت‌تر است.

■ سال‌ها از جنگ جهانی دوم گذشته اما همچنان شاهد انتشار آثار پر مخاطب و حتی تولید فیلم‌های سینمایی مانند کار هستیم؛ اما برخی در کشورمان تأکید دارند که زمان زیادی از جنگ گذشته و پرداخت به آن جذابیتی برای مخاطب ندارد.

این مسأله هم درباره ادبیات و هم سینمای آنان صادق است، اما سینمای جنگ ما بیشتر سینمای حکومتی است. هنوز شرایطی فراهم نشده که هرکسی بتواند قرائت خود از جنگ را در ادبیات و سینما عرضه کند. وقتی تحمل‌پذیری را تمرین نکرده‌ایم در همه عرصه‌ها با مشکل روبه‌رو می‌شویم.

■ با این‌حال نوشته‌های افرادی همچون شما، حتی در شرایط فعلی هم توانسته به عرصه بین‌المللی راه پیدا کند؛ آن‌هم با وجود محدودیت‌های جغرافیایی زبان فارسی!

ادبیات راه خود را پیدا می‌کند، حتی باوجود محدودیت بزرگی که جغرافیای زبان فارسی پیش روی اهالی کتاب و انتشار آثارشان گذاشته است. فارسی، از نظر گستره بین‌المللی زبان خاصی به شمار می‌آید؛ از همین رو نه‌تنها با بحث ضرورت ترجمه روبه‌رو هستیم بلکه حتی این نکته هم هست که خواه‌ناخواه در بازگردان آثار داستانی به زبان‌های دیگر باید به‌طریقی عمل شود که آسیمی در ترجمه، متوجه اثرگذارش نشود. اینها همه روند کار را قدری کند می‌کند از همین رو نباید انتظار اتفاق خارق‌العاده‌ای را در نشر آثارمان به زبان‌های دیگر داشته باشیم؛ انتشار آثار داستانی فارسی در کشورهای دیگر اتفاقی است که از مدت‌ها قبل آغاز شده است. منتهی تنها در صورتی می‌توانیم به معرفی ادبیات جنگ و حتی دیگر حوزه‌های ادبیاتمان امیدوار باشیم که این قبیل اقدامات مداوم پیدا کند و به دوره خاصی محدود نشود.

■ به اتکای تجربه‌های خود چه پیشنهادی برای سرعت بخشیدن به این روند دارید؟ همان روالی که با حضور تشکل‌های خصوصی در عرصه ادبیات کودک و نوجوان شاهد هستیم؛ در ادبیات بزرگ‌سال هم با ورود جدی بخش خصوصی می‌توان انتشار بیشتری هر چه بیشتر داشته‌های ادبیات جنگمان را داشت؟

این اتفاق همین حالا هم در حال وقوع است؛ ادبیات همچون آب روانی است که راه خود را پیدا می‌کند و کسی هم نمی‌تواند جلوی آن را بگیرد. باوجود فضای مجازی و پیشرفت‌های فناوری در حوزه وسایل ارتباط جمعی بسیاری از این محدودیت‌ها از میان‌رفته‌اند و ارتباط گرفتن با دیگر نقاط جهان سهل‌تر شده است. مانع اصلی در شرایط فعلی همان بحث کم بودن تحمل‌پذیری است که همه ما به‌نوعی گرفتار آن هستیم؛ از سوی دیگر تحریم‌هایی که علیه کشورمان صادر شده بر عرصه ادبیات هم تأثیر بجا گذاشته و با شرایطی به‌مراتب سخت‌تر از گذشته طرف هستیم. از طرفی ناشرانی که ترجمه این آثار را برای عرضه در دیگر کشورها به عهده می‌گرفته‌اند به دلیل افزایش هزینه‌ها و مشکلات اقتصادی با موانع بیشتری روبه‌رو شده‌اند.

■ تا به امروز چقدر از ظرفیت موضوعاتی که در جنگمان وجود دارد برای خلق آثار داستانی بهره گرفته‌شده؟

نمی‌دانم؛ آن‌طور نیست که بگویم فلان تعداد سوره بوده که حالا نبی‌ی از آن در قالب اثر داستانی منتشر شده و این مقدار باقی‌مانده که باید دیگران به سراغش بروند. جنگ، بویژه جنگی که هشت سال طول کشیده مملو از اتفاقات و سوره‌هایی است که با بهره‌گیری از آنها می‌توان دست به خلق آثار متعددی زد. بنابراین محدودیتی در کار نیست که بگویم فلان تعداد سوره در کار است. باین‌حال مشکلاتی که گاه در مسیر خلق آثار داستانی با محور جنگ پیش روی نویسندگان قرار می‌گیرد تنها برای یک یا دو نویسنده مانع ایجاد نمی‌کند بلکه منجر به کاهش علاقه‌مندی دیگران به فعالیت در این عرصه می‌شود.